



مکتب روحانی مشاوره مسیحی

بیش از رستگاری

A Theology of Christian Counseling

More than Redemption

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی
ویرایش: فرح صفوی

پیشگفتار مترجم

شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "مقاضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است. شاهرخ صفوی

فصل های کتاب

فصل اول:	نیاز مکتب روحانی در مشاوره مسیحی
فصل دوم:	مکتب روحانی و مشاوره
فصل سوم:	اصول کلام خدا - مشاوره و مکاشفه مخصوص
فصل چهارم:	اصول خدا - مشاوره مسیحی و اساس محیط انسان
فصل پنجم:	اصول خدا - نام خدا و مشاوره مسیحی
فصل ششم (بخش ۱):	اصول خدا - مشاوره مسیحی و دعا
فصل ششم (بخش ۲):	اصول خدا - مشاوره مسیحی و دعا
فصل هفتم:	اصول خدا - مشاوره مسیحی و اصل تثلیث
فصل هشتم (بخش ۱):	اصول انسان - مشاوره مسیحی و زندگی انسان
فصل هشتم (بخش ۲):	اصول انسان - مشاوره مسیحی و زندگی انسان
فصل نهم:	اصول انسان - مشاوره مسیحی و گناه انسان
فصل دهم:	اصول انسان - مشاوره مسیحی و عادت
فصل یازدهم:	اصول انسان - چگونه گناه بر افکار تاثیر می گذارد
فصل دوازدهم:	اصول رستگاری - بیش از رستگاری
فصل سیزدهم (بخش ۱):	اصول رستگاری - بخشش و مشاوره مسیحی
فصل سیزدهم (بخش ۲):	اصول رستگاری - بخشش و مشاوره مسیحی
فصل چهاردهم:	اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و زندگی نو
فصل پانزدهم:	اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و میوه روح القدس
فصل شانزدهم:	اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و ریشه کنی
فصل هفدهم:	اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و استقامت
فصل هجدهم:	اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و رنج
فصل نوزدهم:	اصول کلیسا - مشاوره مسیحی و کلیسا
فصل بیستم:	اصول کلیسا - مشاوره ایمانداران جدید
فصل بیست و یکم:	اصول کلیسا - مشاوره مسیحی و انضباط کلیسا
فصل بیست و دوم:	اصول کلیسا - مشاوره مسیحی و اعمال رحیم
فصل بیست و سوم:	اصول آینده - مشاوره مرگ و افراد در حال مردن
فصل بیست و چهارم:	اصول آینده - مشاوره مسیحی و قضاوت
فصل بیست و پنجم:	خلاصه مطالب

فصل دوم

مکتب روحانی و مشاوره

اگر مکتب، جوابگوی مسئله التقاط را می دهد، لازم است ببینیم مکتب چیست. بعضی اشخاص اشتباهاً فکر می کنند می دانند مکتب چیست، و بسیاری دیگری نیز شناخت ضعیفی از آن دارند. به این دلیل لازم است موضوع را بگونه کلی بررسی کرد. مکتب چیست و چه رابطه ای با مشاوره دارد؟ بگذارید ابتدا جواب این دو سؤال را بطور خلاصه بدهم، و سپس به جوانب عمقی هر یک بپردازم. به عبارت ساده، مکتب ”برداشتی اصولی“ از آنچه کلام راجع به موضوع های مختلف گفته می باشد. مکتب، آیاتی از کلام خدا را که مربوط به موضوعی می باشند شناسائی کرده (بعنوان مثال آنچه کلام راجع به خدا گفته)، در مزمون خود تفسیر می کند، در مسیر نجات قرار می دهد، و آموزشی که از آن در رابطه با موضوع خاصی می باشد را فراهم می سازد. و چون هر موضوعی در زندگی جوانب مختلفی دارد، در محدوده هر یک از جوانب، آنچه آیه ای به ما آموزش داده را با آیات دیگر مقایسه می کند (آیاتی که زمیمه و یا مکمل می باشند)، تا برداشت کاملی از آنچه کلام راجع به موضوع گفته بدست آید. در نتیجه می توان گفت، مکتب مجموعی از تمام آنچه کلام خدا راجع به موضوعی گفته (آموزشی که فراهم ساخته) می باشد. بگذارید با مثالی نشان دهم مکتب چه تاثیری بر زندگی عملی انسان دارد. در فصل ۱۴ یوحنا می خوانیم:

یوحنا ۱۴

۱۳: و هر آنچه به نام من درخواست کنید، [خط کشی از من است]

من آن را انجام خواهم داد،

تا پدر در پسر جلال یابد.

۱۴: اگر چیزی به نام من از من بخواهید،

آن را انجام خواهم داد.

بدون مکتب، این آیات بنظر می رسد کلید دریافت هر چیزی که بخواهیم را (در دعا) فراهم می سازد. (و معمولاً کسانی که ارزشی برای مکتب ندارند این برداشت را می کنند؛ درموعظه و مشاوره خود می گویند ”هر چه یعنی چه؟ یعنی همه چیز. بله همه چیز که بخواهید، می توانید در دعا بدست آورید!“). در نتیجه بی کفایتی مکتبشان (که می پرسد منظور از ”نام من“ چیست؟ یا این شرط در جای دیگر چگونه مصرف شده؟) و آیات دیگر چه شرایطی برای دعا منظور داشته اند؟)، مسیحیان بسیاری گمراه شده (خدا را چنین می بینند) و با دلشکستگی ایمانشان را از دست داده اند. چون تجربه بی کفایتی مسیح بوده! اگر مطالعه کافی از مکتب را داشته بودند، به آنها نشان می داد که یوحنا ۱۶: ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۲۷؛ و فیلیپیان ۴: ۶، ۷؛ و یعقوب ۴: ۲، ۳؛ ۵: ۱۵ تا ۱۸، رابطه نزدیکی با یوحنا ۱۴: ۱۳، ۱۴ دارند. شرایطی که در این آیات وجود دارند را باید، حتی اگر به متقاضی گفته نشود، در نظر داشت، تا پیغام نادرستی به متقاضی داده نشود. در مثالی که آورده شد، رابطه مهمی که مکتب با مشاوره دارد را نشان دادم. چون مشاوره مسیحی متکی به اصول کلام خدا است، مشاوران باید تمام آنچه کلام راجع به هر موضوعی می گوید را، بدانند تا بتوانند راهنمای صحیح متقاضیان باشند.

یکی از مسائل عمده ای که مشاوران مسیحی با آن روبرو می شوند، ناکامی و ناامیدی متقاضیان است (۳). این ناکامی و ناامیدی نیز از عدم درک مکتب کلام سرچشمه می گیرد. و بخاطر برداشت ناصحیح از خدا، دچار اشتباهات فراوانی می شوند (مانند سوء استفاده از دعا). و سپس، یا شک به قابلیت کلام خواهند نمود، یا شک به خود (یا نجات خود) خواهند داشت، و بعضی می گویند (“شاید پولس می تواند انجام دهد، ولی من پولس نیستم”).

بی علاقه‌گی که از شک و ناامیدی سرچشمه می گیرد، اجتناب ناپذیر است. اگر تجزیه و تحلیل کلام، با در نظر گرفتن ابعاد روحانی که دارد، در موعظه و مشاوره ارائه می گردید، می توانست نتایج دیگری را بجای آورد. و به این خاطر است که در خصوص متقاضیانی که مکتب ناصحیحی را دریافت کرده اند، باید انتظار مسائل جانبی را نیز داشت. در چنین مواردی ضروری است ابعاد روحانی مسائل (مکتب) کاملاً روشن شوند.

در خدمت مشاوره مسیحی نه تنها لازم است مکتب آیات روشن شوند (ابعاد کامل و رابطه ای که باهم دارند)، بلکه چنین جهتی را باید اتخاذ نمود تا متقاضی آنچه لازم دارد را بدست آورد. مشاوره ای که مکتب صحیح را نیافته، ضعف های روحانی خود را به متقاضی منتقل خواهد کرد. اعتبار و توانائی در وعظ و مشاوره تنها زمانی ایجاد می گردد، که دانش مکتب صحیحی در دست بوده باشد. آنوقت است که می توان با اقتدار صحبت کرد (۴). چون حرف های ملایان و فریسیان سفته بازی بود، حرف های عیسی مسیح با اقتدار و برجسته بنظر می رسید:

متی ۷

۲۹: زیرا با اقتدار تعلیم می داد،
نه مانند علمای دین ایشان.

ملایان یهود تدریستان بر اساس تفسیر و مکتب کلام نبود، بلکه بر اساس بحث و مناظره ای بود که بر سر تاریخ و “سنتها خود” داشتند (مرقس ۷: ۱۳). تعجب نیست که مشاوران مسیحی نیز امروزه اقتداری ندارند. بجای مکتب صحیح، سفته بازی و گمان پردازی میانشان رواج یافته. امروزه مسیحیان “مشاور”، سالیان درازی را در مطالعه روانشناسی و اخذ مدارک کافی کرده اند، اما در دانش کلام خدا مبتدی بیش نیستند. دست به چنین کاری دشمنی با خدا است. اصول و شیوه مکتب نه تنها وقت می برد تا توسعه یافته و هضم گردد، بلکه لازم به استفاده دارد تا نتایج مطلوبی را ایجاد نماید.

متقاضیان از من می پرسند “چرا مشاوران دیگر از کلام خدا استفاده نمی کنند؟” جواب این است که افراد کمی هستند که از لحاظ مکتب آمادگی لازم را دارند. منظورم این نیست که نیتشان بد است، و بعکس، بعضی کوشش دلاورانه ای در استفاده از اندک فهمی که دارند کرده اند. اما این کوشش ها از آغاز شکست خورده بود، چون بر پایه و اساس صحیحی استوار نبود (۵). چگونه مشاوره ای که حتی کلمه تفسیر را در زبان خود ندارد، خبری از کتاب مکتب برکهاف (۶) Berkhof، یا شناختی از فرهنگ مکتب کیٹل Kittel دارد (۷)، و اهمیتی که مکتب در شناخت کلام دارد بی خبر می باشد، می تواند راه حل خدا را به مسائل زندگی بکار برد؟

در این کتاب، من فرض بر این کرده ام که خواننده حد عقل شناخت ابتدائی از مکتب کلام را دارد (بگونه ای که خواهد توانست در ادامه خواندن، برداشت لازم را بکند). اما من نمی خواهم اینجا مکتب را درس بدهم (نمی خواهم از آموزشی که در دست هست دوری کنم. حذف من این نیست کتاب را تبدیل به کتاب تدریس مکتب کنم).

آنچه می‌خواهم انجام دهم این است:

- (۱) نشان دهم مشاور مسیحی نیاز به مکتب دارد، و
(۲) نقشی (می‌توان گفت نقشی حیاتی) که در اصول فکری و عملی مشاوره مسیحی دارد.

امکان ندارد کسی (حتی از ادیان دیگر) بتواند بدون مکتب مشاور باشد. هر مشاوره‌ای بر حسب طبیعت خود، دلالت بر سرسپردگی مکتبی می‌کند که دارد. او نخواهد توانست تغییری در افکار، عقاید، ارزش‌ها، روحیه، روابط، و رفتار کسی بکند، مگر عمیقاً وارد مکتب خود گردد. من نشان داده‌ام که وابستگی به اصول مکتب، آگاهانه باشد یا ناخودآگاه، پیرو کتاب مقدس باشد یا دنیوی، مکتب خوب باشد یا بد، یقیناً شامل مکتب است.

در این صورت لازم است (۱) با نوع وابستگی که دارد و چگونه به آن رسیده آشنا شود، (۲) تجدید نظر و اصلاح بر اساس مکتب مطلوب کلام خدا بکند، و (۳) ادامه به مطالعه مکتب کند تا حقایق تازه آن، تاثیر مطلوب خود را بر خدمت مشاوره بگذارد.

در خلاصه، می‌توانم بگویم که رابطه مکتب با مشاوره مسیحی مانند رابطه ای جسمانی است؛ مشاوره را نمی‌توان بدون مکتب انجام رساند. هر رفتار و کلمه ای (یا فقدان آن)، اشاره وابستگی به مکتب دارد. و از جانب دیگر، آموزش مکتب مشاوره را بنا می‌سازد. نباید یکی را از دیگری جدا کرد؛ اگر چنین شود به هر دو لطمه وارد خواهد کرد.

فهرست زیر نویس های فصل دوم

(۱) منظور این نیست که اساس مکتبشان فرق می‌کند، اما معمولاً اصطلاحات استفاده شده فرق دارند. این فرق‌ها را باید باهم هماهنگ کرد.

(۲) بعنوان مثال یوحنا ۱۵: ۲۱

(۳) راجع به امید، به کتاب ”راهنمای مشاوران مسیحی“ مراجعه کنید.

(۴) در کتاب ”راهنمای مشاوران مسیحی“ راجع به فرق میان صحبت با قدرت و قدرت طلبی، صحبت کرده‌ام.

(۵) در حقیقت این کوشش‌ها باعث صدمات بیشتری می‌گردند. کلامی که عمیق و گسترده کار می‌کند را وقتی سطحی بکار ببرید، نه تنها جایی برای کذب و تحریف باز می‌کنید، بلکه خدا و کلامش را ضعیف جلوه خواهد داد.

(۶) Systematic Theology - Louis Berkhof

<http://thegospelcoalition.org/blogs/justintaylor/2013/05/31/louis-berkhofs-systematic-theology-now-free-as-an-ebook/>

(۷) Theological Dictionary of the New Testament - Gerhard Kittel

<http://getebook.org/?p=200578>